

می‌تواند شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی کشور است ولی شرط کافی نیست. پیشرفت مستلزم برخورداری از برنامه توسعه اقتصادی و استفاده حداکثری از فرصت‌های بین‌المللی از جمله بهره‌مندی از ظرفیت همسایگان و قدرت‌های نوظهور است.

توجه به محدودیت‌ها و ریسک‌های توافق از این جهت ضروری است که بازگشت آمریکا به برجام به لحاظ سیاسی به معنای تغییر رفتار این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران نیست. زیرا اهداف آمریکا در قبال ایران هنوز تغییر نکرده است. آمریکا با بازگشت به برجام به دنبال مهارکردن برنامه هسته‌ای ایران است و در دوره پساتوافق در تلاش خواهد بود با حفظ بخشی از تحریم‌ها همچنان از اهرم فشار برای تحمیل محدودیت‌های بیشتر در موضوعات منطقه‌ای و موشکی استفاده کند. تفاوت دولت ترامپ و دولت بایدن این است که ترامپ خروج از برجام را راهکار مناسب‌تری برای مهار ایران می‌داند ولی بایدن توافق را بستر بهتری برای کنترل رفتار ایران می‌داند. دلالت اقتصادی این راهبرد آن است که در عین بهره‌مندی از فرصت‌های توافق، سیاست اصلی کشور باید متمرکز بر خنثی‌سازی تحریم‌ها باشد.

از منظر بین‌المللی، دولت آمریکا در شرایطی حاضر به بازگشت به برجام شده است که از یک سو به دلیل رشد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و از سوی دیگر به دلیل افزایش قیمت جهانی انرژی در وضعیت اضطراری قرار دارد. به بیان دیگر، این درک در آمریکا ایجاد شده است که خروج از برجام و تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت نه تنها منجر به فروپاشی یا تسلیم ایران نشده است بلکه سیاست آمریکا در هر دو زمینه نتایج معکوسی را در پی داشته است. ایجاد چنین نگرشی حاصل تغییر الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران از «صبر راهبردی» به «مقاومت راهبردی» بود که در عمل به آمریکا نشان داد اعمال فشار علیه ایران بدون هزینه و پاسخ نخواهد بود. شکل‌گیری چنین درکی از جمهوری اسلامی ایران را می‌توان مهم‌ترین دستاورد گفت‌وگوهای وین دانست.

پیش از این، به خصوص در دوره ترامپ، چنین تصور می‌شد که جمهوری اسلامی ایران تحت فشار شدید اقتصادی و تهدید نظامی عقب‌نشینی خواهد کرد. این درک راهبردی از ایران نقش مهمی در جسارت آمریکا در تصمیم‌گیری درباره خروج از برجام و ترور شهید سلیمانی داشت؛ از این رو، پیش از بازگشت آمریکا به برجام ضرورت داشت تا این نگاه اصلاح شود که ایران در برابر فشار نه تنها عقب‌نشینی نخواهد کرد بلکه واکنش آن می‌تواند نتایج معکوسی برای آمریکا و رژیم صهیونیستی در پی داشته باشد. تقویت این درک از ایران یکی از مهم‌ترین پایه‌های تأمین امنیت ملی، تقویت بازدارندگی و تضمین ذاتی برای هر نوع توافقی خواهد بود.^{۱۶۱}

تغییر الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران از «صبر راهبردی» به «مقاومت راهبردی» بود که در عمل به آمریکا نشان داد اعمال فشار علیه ایران بدون هزینه و پاسخ نخواهد بود. شکل‌گیری چنین درکی از جمهوری اسلامی ایران را می‌توان مهم‌ترین دستاورد گفت‌وگوهای وین دانست.